



۴+

شاید امروزه ما سخن از فداکاری در راه اعتقادات یا وطن نمی‌گوییم، اما با نوع جدیدی از عمل انسان دوستانه روبه‌رو هستیم که نشان‌دهنده نیاز ما به همبستگی با کل بشریت است.

نمره قبول جامعه مدنی ایران در نوع دوستی و کمک به دیگران نیازمند

کمک به دیگری؛ از دیگری خواهی تا جامعه خواهی



مسعود زمانی مقدم
پژوهشگر مسائل اجتماعی

«کمک به دیگری» گذاری است از خودخواهی به دیگری خواهی؛ از امری فردی به امری اجتماعی. و دیگری خواهی اساساً فضیلتی اجتماعی است که در جامعه معنا پیدا می‌کند. اگرچه عمدتاً کمیت کمک به دیگری وابسته به وضعیت عرصه‌های سیاسی و اقتصادی جامعه است، اما کیفیت آن در عرصه عمومی و بواسطه ارزش‌ها، انتظارات و هنجارهای اجتماعی تعیین می‌شود.

پس می‌توان گفت که در زمینه و چگونگی «کمک به دیگری» سه عرصه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نقش بازی می‌کنند که البته این نقش‌ها یکسان نیستند؛ امروزه در ایران، با وجود بحران و بی‌ثباتی اقتصادی و ناتوانی دولت در رفع نیازهای اقشار فرودست جامعه، نقش عرصه‌های سیاسی و اقتصادی در امور خیریه و کمک به نیازمندان منفی است و نه مثبت. علاوه بر این، ناکارآمدی‌های بخش دولتی و بخش خصوصی و اقتصادی جامعه در سال‌های اخیر به عمیق‌تر شدن فقر و نابرابری اجتماعی انجامیده که به تبع آن ضرورت کمک به دیگری برجسته‌تر شده. به عبارتی دیگر، ما با سیاست و اقتصادی روبه‌رو هستیم که نه تنها



چطور کار داوطلبانه می‌تواند در پاندمی کووید ۱۹ جامعه را تاب‌آور کند؟



خیر جمعی و بحران کرونا

معصومه کمال‌الدینی
دکترای جامعه‌شناسی و پژوهشگر اجتماعی بحران

با شیوع ویروس کووید ۱۹ و ابتلای بسیاری از مردم ایران به بیماری کرونا، ماتریه‌ای دیگر از بیماری‌های واگیردار کشته‌مانند وبا و طاعون در ایران را شاهد هستیم؛ بیماری‌هایی که بخش عظیمی از تاریخ فرهنگی و اجتماعی مملکت ایران و فرهنگ بهداشت، سلامت عمومی و اجتماعی ما ایرانیان را تغییر داده و امروز کرونا با تأثیراتی بسیار مشابه، تغییرات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دیگری را رقم زده است. در همه ادوار تاریخ کشورمان نشان داده شده که استفاده مؤثر از سرمایه اجتماعی در زمان درگیری جامعه با بحران‌های فراگیر، به کاهش پیامدهای منفی آن بحران منجر شده است؛ از جمله مشارکت جامعه در تشکیل جلسات معنوی و حمایت‌های اجتماعی و روانی و نیز عمل به «خیر جمعی» که به عنوان یکی از شاخص‌های مهم سرمایه اجتماعی خود تحت تأثیر میزان برخورداری هر جامعه از دیگر سرمایه‌های اجتماعی است. مانند اعتماد اجتماعی و انسجام و احساس همدلی و وابستگی روانی- اجتماعی اعضای یک جامعه یا یکدیگر. یکی از ویژگی‌های عمومی ایرانیان در زمان بیماری‌های واگیری مانند وبا یا تجربه قحطی، همیاری و کمک به طبقات اقتصادی پایین‌تر بوده است یعنی کسانی که به دلیل مشکلات اقتصادی جامعه در رنج و سختی ناشی از فقر افتاده‌اند. این از جنبه‌های خیر جمعی رفتارهای داوطلبانه است که با در قالب حرکت‌های خودجوش مردمی برای کمک‌رسانی مالی و اهدای هدیه به نیازمندان جامعه صورت

عمل انسان دوستانه در عصر مدرن چگونه ممکن می‌شود؟

عشق به دیگری در جهان فردگرایی



مصطفی مهرآمین
استاد دانشگاه و پژوهشگر جامعه‌شناسی عشق

روبرت وسنو در فصل اول کتاب برجسته خود با عنوان «غمخواری؛ مراقبت از دیگران و کمک کردن به خودمان» به طرح یکی از مهم‌ترین تناقض‌های اخلاقی موجود در زندگی امروز ما می‌پردازد: «فقط به فکر خودم باشم یا به دیگران هم کمک کنم؟» او برای توضیح بهتر این مسأله به دیدار میان دو انسان خیرخواه بزرگ در جهان یعنی جین آدامز آمریکایی و لئو تولستوی، نویسنده بزرگ روس، در سال ۱۸۹۶ می‌پردازد. جین آدامز که سال‌ها پیشتر تحت تأثیر کتاب‌های تولستوی زندگی خود را وقف نیازمندان کرده است به دیدار تولستوی و دخترش هنگام کار کردن در یک مزرعه می‌رود. ملاقات این دو انسان بزرگ، ملاقات دو سبک غمخواری است: تولستوی معتقد است انسان وقتی به غمخواری دیگران می‌پردازد باید دقیقاً خود را همانند دیگران کند تا قادر به درک درد و رنج‌های آنها شود. جین آدامز، برعکس، در اوج کمک به نیازمندان به حفظ برخی وجوه زندگی خود نیز می‌پردازد. او لباس زیبا می‌پوشد، غذاهای گران می‌خورد و خدمتکار دارد. دیدار این دو انسان خیرخواه بزرگ به بحث درباره همین نکته منجر می‌شود: آیا برای کمک به دیگران باید خود را رها کرد؟

در سوی دیگر این ماجرا لوک فری-فیلسوف فرانسوی- به طرح این پرسش می‌پردازد که آیا خیرخواهی ما را از خودمان دور می‌کند و زندگی ما را معطوف به خدا می‌سازد یا می‌توان خیرخواه بود و فرد سکولار باقی ماند. فری معتقد بود مدرنیته و ظهور انسان‌گرایی سکولار، جست‌وجوی معنا و امر مقدس را از میان نبرده است، بلکه هر دو را از طریق فرآیندی دوگانه دگرگون ساخته است؛ انسان‌سازی امر الهی و الهی‌سازی امر انسانی. لوک فری در شرح خود بر چگونگی الهی‌سازی امر انسانی بیشترین تأکید را بر پدیده «همیاری اجتماعی» می‌گذارد و در مقابل شیوه‌های سنتی عمل فداکاری اجتماعی سخن از دوران گذار از «منطق فداکاری دیگرنیا» به «فداکاری خودنیا» می‌گوید. به اعتقاد لوک فری، مدرنیته بیش از آنکه استعلا را طرد کند، به بازآرایی آن پرداخته است. شاید امروزه ما سخن از فداکاری در راه اعتقادات یا وطن نمی‌گوییم، اما با نوع جدیدی از عمل انسان دوستانه روبه‌رو هستیم که نشان‌دهنده نیاز ما به همبستگی با کل بشریت است. بر این اساس، این همبستگی دیگر مقید به پیوندهای اجتماعی باستانی نیست، خواه این پیوندها نژادی، ملی، یا خانوادگی باشند. این آرمان و کنش جدید انسان دوستانه نشان‌دهنده حرکت از استعلائی عمودی به استعلائی افقی است- استعلائی که در آن «وجود انسان» به معنای دقیق کلمه است که نیازی بی‌واسطه به «مسئولیت من» در التفات به «دیگری» را پدید می‌آورد. از این‌رو، امر مقدس که پیش از این قبل از اخلاق قرار داشت و پایه و اساس آن به‌شمار می‌رفت، امروزه پس از آن قرار می‌گیرد و ما با انسانی روبه‌رو هستیم که با در پیش گرفتن «زندگی مبتنی بر احساس» می‌کوشد امر مقدس را در درون کنش‌های اخلاقی خود از قبیل «همیاری اجتماعی» و «انسان دوستی» تجربه کند.



امر مقدس که پیش از مدرنیته، قبل از اخلاق قرار داشت، امروزه پس از آن قرار می‌گیرد و ما با انسانی روبه‌رو هستیم که با در پیش گرفتن «زندگی مبتنی بر احساس» می‌کوشد امر مقدس را در درون کنش‌های اخلاقی خود از قبیل «همیاری اجتماعی» و «انسان دوستی» تجربه کند